باسمه تعالی

**وظایف اصلی حوزه از نگاه شهید مطهری**

*استاد شهید مطهری در تعریف وظایف اصلی حوزه­های علمیه معتقدند: «منظور از وظائف اصلى مجموع امورى است كه ايده آل و كمال مطلوب در حوزه­هاى علميه محسوب مى­شود، كه اگر اين حوزه­ها در صدد بر آمدند و امكانش را تحصيل كردند همه آنها را بايد انجام دهند». این وظایف را در 26 مورد خلاصه کرده­اند، که عبارتند از:*

*1. احياء همه علومى كه هم اكنون جزء علوم اسلامى محسوب مى*­شود: از تفسير، حديث، درايه، رجال، فقه، اصول، ادبيات، تاريخ اسلام، تاريخ ملت­هاى مسلمان، كلام اسلامى، فلسفه اسلامى، عرفان اسلامى، اخلاق اسلامى، منطق اسلامى، با توجه به سير تحولى و تاريخى آنها و مشخص ساختن نقش شخصيت­هایى كه در پيشبرد اين علوم مؤثر بوده­اند يعنى علاوه بر اينكه خود اين علوم مشمول احيا و اصلاح و آرايش و پيرايش قرار مى­گيرند، تاريخ تحول اين علوم نيز دقيقا مشخص مى­شود.

2. حفظ و نگهدارى و نگهبانى مواريث فرهنگى اسلامى، اعمّ از علمى و فنى از طريق فهرست كردن و گردآوردن در حد امكان.

3. برقرارى رابطه علمى با همه مراكز علمى اسلامى در كشورهاى عربى، آفريقائى، آسيایى، اروپایى و اطلاع از فعاليت­هاى اسلامى در آن مراكز.

4. تقويت و ترويج زبان عربى در حد مكالمه كامل و استفاده وافى از هر نوع كتاب عربى به زبان معاصر .

5. آشنائى هر فرد لااقل با يك زبان خارجى در حد استفاده از كتابها و سخنراني­ها .

6. ادبيات فارسى در جنبه­هاى ارتباط با فرهنگ اسلامى و شناختن زبان فارسى به عنوان زبان دوم اسلامى.

7. آشنائى با علوم انسانى جديد از قبيل روان­شناسى، جامعه شناسى، جغرافى جهانى، تاريخ جهانى، در حد بيگانه نبودن.

8. اطلاع بر فلسفه اخلاق، تعليم و تعلم، مكاتب اخلاقى گوناگون قديم و جديد و مقايسه با اخلاق اسلامى در حد اجتهاد و تخصص.

9. اطلاع بر فلسفه تاريخ و تعليم مكاتب مختلف اين فلسفه و روشن ساختن فلسفه تاريخ از نظر قرآن، در حد اجتهاد و تخصص.

10. اطلاع بر مكاتب و سيستم­هاى اقتصادى جهان و تعليم و تعلم آن مكاتب و روشن ساختن اصول اقتصاد اسلامى، در حد تخصص و اجتهاد.

11. شناخت ماهيت تمدن و فرهنگ اسلامى، توأم با مقايسه با همه تمدن­ها و فرهنگ­هاى ديگر و روشن ساختن اصالت آن و مميزات آن و معرفى روح اين فرهنگ.

12. تاريخ اديان در حد آشنایى و بيگانه نبودن و احيانا در حد تخصص و اجتهاد.

13. تعليم مكتب­هاى رایج الحادى معاصر به صورت بسيار دقيق از قبيل ماركسيسم، اگزيستانسياليسم، نهليسم و غيره و نقد آنها با موازين اسلامى.

14. تعليم مكاتب حقوقى قديم و معاصر و مقايسه با حقوق­اسلامى به عنوان حقوق تطبيقى.

15. فلسفه تطبيقى بر اساس تعليم زنده­ترين مكاتب فلسفى معاصر و مقايسه با فلسفه اسلامى.

16. منطق تطبيقى بر اساس تعليم روش­هاى منطقى جديد، بخصوص منطق سمبوليك و مقايسه با منطق اسلامى .

17. سيره نبوى و سيره ائمه اطهار عليهم السلام به صورت تحليلى و تفسيرى.

18. مسائل قرآنى شامل تاريخ نزول آيات و سور، اعجاز قرآن، محكم و متشابه قرآن، ناسخ و منسوخ قرآن، معارف قرآن و غيره.

19. نقش اساسى شيعه در علوم و فرهنگ اسلامى.

20. تاريخ جهادهاى علمى و اخلاقى و اجتماعى شيعه.

21. بحث­هاى مربوط به امامت، خصوصا با توجه به انحرافات جديد.

22. اثبات امامت به طور عام و امامت هر يك از ائمه به نحو خاص (جزء كلام است).

23. مسائل مربوط به وحى و نبوت و اثبات علمى بودن وحى (جزء كلام است).

24. مسائل مربوط به معاد (مندرح در كلام است).

25. مسائل مربوط به توحيد (مندرج در كلام است).

26. رشته­اى شدن و تخصصى شدن به علوم و ادبى، تاريخى، اصول دينى، فروع دينى و غيره .

مطهری، مرتضی؛«پيرامون جمهورى اسلامى»، ج1،ص34-37